

رضا کیانیان از مشهورترین و محبوب‌ترین بازیگران سینمای ایران است و به‌شدت ذهن تحلیلگری دارد و همواره تحلیل‌های جالبی درباره موضوعات جدی سینمای ایران دارد. در گفت‌وگویی که با او انجام داده‌ایم با صراحت از سیاست‌های مدیران سازمان سینمایی انتقاد می‌کند. البته او تشکیل گروه هنر و تجربه را کار مثبتی می‌داند که حجت‌الله یوبی انجام داده است. البته بازیگر فیلم «آژانس شیشه‌ای» معتقد است دولت در حوزه‌های اقتصادی و سیاست خارجی موفق عمل کرده ولی می‌گوید در حوزه فرهنگ و سینما به‌شدت منفعل بوده است. او به‌شدت از وضعیت مبهم آخرین ساخته بهمن فرمان‌آرا کله‌مند است و می‌گوید متأسفانه مدیران سینمایی تاکنون برای حل این مشکل کاری نکرده‌اند. در این مصاحبه او انتقادات مهمی از ایجاد مدرسه ملی سینما مطرح می‌کند. کیانیان که سال‌ها قبل نسخه اصلی فیلم «پاداش» کمال تبریزی را دیده، می‌گوید: سال‌ها قبل با نمایش فیلم «پاداش» رودربیه شده است ولی حالا با تماشای نسخه سانسورشده و بی‌سوته این فیلم حالش بد شده است.

✎ آقای کیانیان، شما دو فیلم مهم در کارنامه خود دارید که سال‌ها اکران نشده‌اند...

بله آنها هر دو پروانه نمایش دارند و به دلایلی که من نمی‌دانم حق اکران ندارند! به این فیلم‌ها، فیلم سومی هم به تازگی اضافه شده؛ فیلم «دلم می‌خواد» ساخته آقای فرمان‌آرا، که به‌دلیل اختلافی که میان آقای کارگردان فیلم و تهیه‌کننده فیلم وجود دارد از اکران محروم است... در هیات انتخاب جشنواره فیلم فجر همه این فیلم را دیده‌اند و متفق‌القول معتقدند که فیلم خوبی است و فیلم بدون مشکلی است، حالا این سؤال مطرح است که این اختلاف را چه کسی باید حل کند؟ آیا قرار است این مشکل حل‌نشده باقی بماند و تبدیل به یک زخم کهنه شود و هیچ‌وقت دوا نشود؟ یا اینکه قرار است مسئولان سینمایی کشور به‌خاطر مسئولیتی که دارند باید برای حفظ سینمای ایران و سرمایه‌های سینمای ایران تلاش کنند؟ و با پادرمیانی این مشکل را حل کنند؟... من با آقای ابوبی صحبت کردم و نظراتم را به ایشان گفتم و راه‌حل‌هایم را با او در میان گذاشتم. با آقای شاه‌آبادی و آقای تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی هم صحبت کرده‌ام، نظراتم را به آن‌ها همیم را هم به این دوستان گفتم‌ا. اما متأسفانه هیچ... و هیچ...

✎ وقتی با آقای ابوبی صحبت می‌کردید چه واکنشی داشتند؟

من حدود شش ماه پیش، به دفتر آقای ابوبی رفتم و از منشی ایشان یک وقت ملاقات خواستم. هنوز این وقت را به من ندادند. اگر به من رضا کیانیان وقت ندهند پس به چه کسی می‌خواهند وقت بدهند؟ آقای ابوبی از سویی دیگر شماره تلفنش را به من داده و گفته هر وقت کاری داری به من زنگ بزن. من زنگ زدم و به ایشان گفتم من به دفتر شما رفتم و وقت ملاقات خواستم ولی هنوز خبری نشده! آقای ابوبی به من گفت: اصلا یک قرار ناهار نمی‌گذاریم و صحبت می‌کنیم... ولی این‌ها قرار ناهار هنوز گذاشته نشده است. من چند ماه باید پشت در اتاق ایشان صبر کنم تا این قرار گذاشته شود؟ آیا من باید بروم پشت آن در بست بنشینم؟ و مثل بچه پتیت‌ها وقت ملاقات بخواهم؟ من که با حکم و بخش‌نامه بازیگر نشده‌ام. ولی آقای ابوبی مثل هر مدیر دیگری با بخش‌نامه و حکم، مدیر شده‌اند و با یک حکم و بخش‌نامه هم می‌توانند از این شغل کنار بروند. ایشان باید پادشان باشد اگر سینماگران نباشند معاونت سینمایی به دردی نمی‌خورد این‌همه معاونت که در وزارت ارشاد است اهم از معاونت مطبوعاتی، معاونت سینمایی و معاونت هنری ...و... به خاطر این است که کار هنرمندان را به رهنه‌بندازند. نه اینکه در کار ما مشکل ایجاد کنند. نه اینکه من پشت در اتاق آقای ابوبی ماه‌ها صبر کنم. آقای جعفری جلوه (معاونت اسبق) هم با من همین رفتار را کردند! من و بهمن فرمان‌آرا رفتم از مدیر دفتر آقای جعفری جلوه یک وقت ملاقات خواستیم. آقای جعفری جلوه تا پایان دوران ریاستش این وقت ملاقات را به ما نداد.

اما ما همچنان سینماگران و ایشان تا به حال چندبار به شغل‌های دیگر فرستاده شدند!

مشکلی که برای فیلم «دلم می‌خواد»، به وجود آمده، مشکلی است بین تهیه‌کننده و کارگردان. این مشکل در تاریخ سینمای جهان بارها و بارها بین کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌ها پیش آمده است. اما بالاخره حلش کرده‌اند، چون آن فیلم مهم است. چون تهیه‌کننده و کارگردان و بازیگران و سایر عوامل مهم هستند. آقای ابوبی، شما باید قدم پیش بگذارید و این مشکل را حل کنید! آقای ابوبی، شما قول اکران نوروز این فیلم را داده بودید. شما قول اکران دوم عید فطر را داده بودید... این قول‌های شما چی شد و کو؟

✎ مثل اینکه از اوضاع خیلی شایکی هستید...

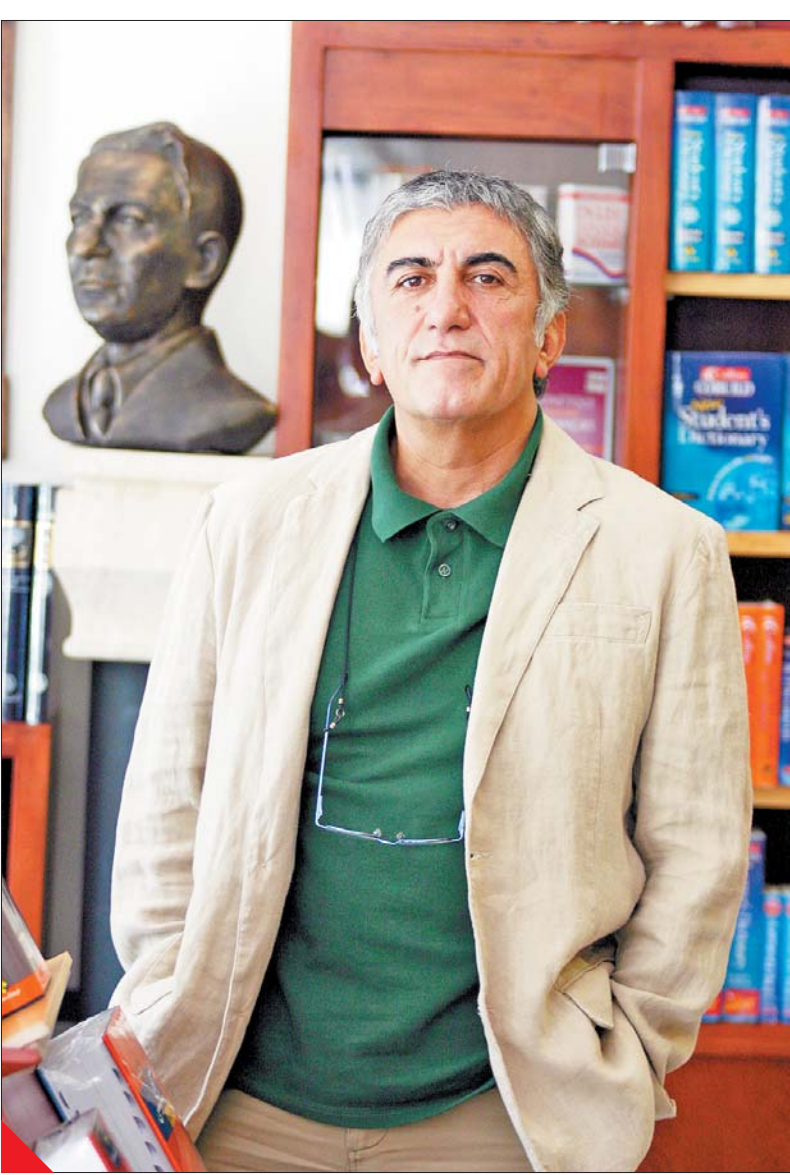
من می‌خواهم بگویم اوضاع این ما چرا که تعریف کردم وخیمتر است. من تا زمانی که توافق هسته‌ای نشده بود از این حرف‌ها نمی‌زدم... الان خوشبختانه توافق به سلامتی و دل خوش انجام شده است... حالا مسائل پس از توافق وجود دارد هم در ایران و هم در جهان... اما باید وضع ما هم روشن شود. من سینماگرم، باید مشخص نشود که این سینماگر از نظر مدیران چ‌ک‌ه‌ا‌ر است؟ می‌خواهم خطاب به آقای روحانی بگویم آقای روحانی عزیز، در سینمای ایران به جز چند کار خوب، دیگر نه از تدبیر خبری هست و نه از امید.

آقایان جنتی و ابوبی هر دو انسان‌های خوبی هستند ولی خوب‌بودن برای وزارت و معاونت فقط شرط لازم است. آقای روحانی شما قول دادید خانه سینما را باز

گفت‌وگو با رضاکیانیان

پرتو مولانا در سینمای ما کجاست

محمد تاجیک



عکس:

مهدی حسینی، شرق

می‌کنید و باز کردید. این اتفاق بسیار خوب و درجه یک و خوشحال‌کننده‌ای بود. ما بعد از بازگشایی خانه سینما،

جلسه‌ای با مسئولان وزارت ارشاد داشتیم و من سؤالاتی را مطرح کردم. از جمله از آقای ابوبی پرسیدم شما وقتی به معاونت سینمایی وزارت ارشاد منصوب شدید چرا همچنان سازمان سینمایی را حفظ می‌کنید، سازمان سینمایی میراث کسانی بود که با سینما دشمن بودند. سازمان سینمایی میراث کسانی است که خانه سینما را بستند. سازمان سینمایی میراث کسانی بود که کوپن بین هنرمندان پخش می‌کردند و کدپابوری می‌کردند و کیسه برنج و روغن می‌دادند! آقای ابوبی سازمان سینمایی میراث آن نوع مدیریت است شما چرا ادامه‌اش دادی و حفظش کرده‌ای؟ سازمان سینمایی میراث دولتی است که گزارش یک جشن را از کارگردان و تهیه‌کننده‌اش خریداری کردند! یعنی آنچه مورد تأیید ما نیست پولش را می‌دهیم و می‌اندازیم گوشه آبرائ؟! از این به بعد هم آن چیزی را می‌سازید که مورد نظر ماست. این یعنی کاملاً سینمای دولتی. تا قبل از هشت سال دوران آقای احمدی‌نژاد و سیاست دولتی‌کردن سینما، سینمای ایران در جشنواره‌های جهانی می‌درخشید. اینکه سینمای ایران در جشنواره‌ها می‌درخشید باعث شد یکسری از آدم‌ها که ناراحت‌های همیشگی‌اند...

✎ منظورتان دلوایسان هست دیگر...

دلوایسند، ناراحتند، دلخورند، اعتراض دارند. هستند که ایراد بگیرند. از همه‌چیز دلخورند و با همه چیز هم مخالفند و حتی با خودش‌ان هم مخالفند. اصلا شغلشان این است. اینان وقتی فیلمی از سینمای ایران در جشنواره‌های جهانی می‌درخشید می‌گفتند به‌خاطر سیاه‌نمایی است. من

به‌گویم به‌خاطر سیاه‌نمایی نیست می‌گفتند که ما سازمان سینمایی را تشکیل دادیم برای اینکه بتوانیم بودجه بیشتری را برای سینما بگیریم تا سینمای ایران رونق بگیرد. به نظر کسی نباید برای سینمای ایران بودجه بگیرد برای اینکه سینمای ایران خودش بلد است برای خودش بودجه بگیرد. فقط باید ممیزی‌ها را از سر راه سینمای ایران بردارند. وقتی دولتی می‌خواهد برای سینمای ایران بودجه تعیین کند منظورش این است که من به شما پول می‌دهم تا آنچه را من می‌خواهم بسازید. پس اصل ۴۴ ما چه می‌شود؟ من این سؤال را از آقای روحانی دارم. آقای روحانی! چرا در وزارت ارشاد شما همچنان سازمان سینمایی را حفظ کردند؟ سینمای ایران مگر چیست که به یک سازمان احتیاج داشته باشد؟ یک معاونت هم برایش زیاد است. سینمای ایران دچار بیشترین نظارت و ممیزی در مقایسه با همه عرصه‌های دیگر است. ما الان یک شورای تصویب فیلم‌نامه داریم بعد یک شورای پروانه ساخت داریم بعد یک شورای پروانه نمایش. پس سه بار ممیزی می‌شویم. بعد از اینکه به ما پروانه نمایش دادند چند شعورای پنهان وجود دارد. یک جایی هم مثل حوزه هنری است که می‌گوید من این فیلم را اکران نمی‌کنم. یک جایی مثل شهرداری وجود دارد که می‌گوید من این فیلم را اکران نمی‌کنم. با اینکه از سه مرحله ممیزی گذشته است ولی ارگان‌های دیگر و کسان

هم ژاین سینمای مستقل خودش را داشت. اما سینمای آمریکا آمد و همه این سینماها را نابود کرد. با وجود آنکه ما چه می‌شود؟ من این سؤال را از آقای روحانی دارم. آقای روحانی! چرا در وزارت ارشاد شما همچنان سازمان سینمایی را حفظ کردند؟ سینمای ایران مگر چیست که به یک سازمان احتیاج داشته باشد؟ یک معاونت هم برایش زیاد است. سینمای ایران دچار بیشترین نظارت و ممیزی را نابودش کرده بود در سینمای ایران می‌دیدند. چون در گذشته در مقابل سینمای آمریکا حرفی برای گفتن داشتند ولی سینمای آمریکا سینمای آنها را نابود کرد. به‌همین‌دلیل در جشنواره‌های اروپایی مرتب به سینمای ایران جایزه می‌دادند؛ برای اینکه سینمای ایران یک هویت مستقل داشت.

✎ وضعیت سینمای ایران در سال‌های اخیر در آن سوی مرزها چگونه است؟

در هشت سال گذشته خواستند این هویت مستقل

سینمای ایران

از بین برود و تقریباً هم به خواسته خود رسیدند. برای اینکه در جشنواره‌های مختلف مرتب جای سینمای ایران خالی و خالی‌تر شد. بدنه سینمای ایران هم تضعیف شد. در مقابل این تضعیف سینمای بدنه، چه کار کردند؟ شرایطی ایجاد کردند که سینمای ایران وارد بازی سینمای آمریکا و هالیوود شود؛ یعنی کاری که آمریکا با سینمای اروپا کرد. مسئولان سینمایی در روپاهاشان می‌گفتند ما می‌توانیم فیلم بزرگ هالیوودی بسازیم!! طوری که روی هالیوود را کم کند. این در حالی بود که ما با فیلم‌هایی که ساخته بودیم سال‌ها روی هالیوود را کم کرده بودیم. آقای دکتر صالحی یک‌بار که درباره سینمای ایران حرف می‌زدیم، تعریف کردند در نشریه‌ای خارجی مطلبی خوانده‌اند که فیلم‌های سینمای ایران با هزینه‌ای به اندازه خرج قهوه بین پلان‌های فیلم‌ها آمریکایی ساخته می‌شود و همین فیلم‌های ایرانی که با چنین بودجه‌های کمی ساخته می‌شوند در برابر سینمای آمریکا ایستاده‌اند و حرف برای گفتن دارند!

آمدند سینمایی به اسم سینمای فاخر درست کردند. سینمای فاخر، یعنی یک بودجه‌ای در حد فیلم‌های هالیوود! به شما می‌دهیم تا بروید فیلم هالیوودی بسازید!!! حتی یکی از این فیلم‌های فاخر نه‌فقط شبیه فیلم‌ها هالیوودی نشد، بلکه از آنچه خودمان داشتیم هم عقب ماند! و هیچ هم نفروخت. ما چرا با دست خودمان سینمای مستقل‌مان را خراب می‌کنیم و خودمان را می‌اندازیم در بازی سینمای آمریکا که قرار است در آن شکست بخوریم. ما با فیلم‌های سینمای ایران برنده بودیم، حتی اسکار هم مجبور شد به سینمای ایران جایزه بدهد. جشنواره‌های جهانی مجبور شدند به سینمای ایران جایزه بدهند؛ اما به سینمای فاخر ما نه جایزه‌ای دادند و نه تحویلش گرفتند. چون از این‌نوع فیلم‌ها، خیلی بهترش را در انبارهای‌شان به تعداد زیادی دارند. سینمای فاخر یعنی: آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد!

✎ آیا سریال‌های تاریخی مثل مختارنامه، فاخر محسوب می‌شوند؟

ببینید آقای میرباقری که تاریخی می‌سازد، مثل مختارنامه، مثل امام علی(ع)، هرگز شکست نخورده است؛ آن برای اینکه ثابت کرده این کار را بلد است و دیگر اینکه، یک سریال اس‌ا و ما در ساخت سریال تاریخی تجربه و پیشینه داریم! اما فیلم مسافر ری ایشان هرگز به پای سریال‌های‌شان نرسید!

✎ درباره فیلم‌هایی مثل رستاخیز و محدرسول‌الله(ص) هم چنین تحلیلی دارید؟
من فیلم‌های محمدرسول‌الله(ص) و رستاخیز را هنوز ندیده‌ام، ولی برای هر دو کارگردان آنها احترام قائلم!

✎ به نظر می‌رسد انتقادات فراوانی از مدیران فعلی دارید...

کار مثبتی که آقای ابوبی انجام داده است، تشکیل گروه هنر و تجربه است. خوب و قابل دفاع است! اصلا کار دولت همین است که در کار سینما دخالت نکند و فقط حمایت کند. این سینمای هنر و تجربه حمایت از سینمای است که قرار است تجربه‌های جدید در آن انجام شود و وجوه هنری‌اش قوی‌تر از وجوه بازاری‌اش است؛ بنابراین دولت از آن حمایت می‌کند و یک‌سری سالن هم می‌دهد برای اینکه حمایت شود. من مصاحبه مفصلی در زمینه سینمای هنر و تجربه کرده‌ام و خیلی هم آنجا تشکر کرده‌ام؛ اما از کارهای نکرده ایشان گله دارم!

✎ محسن امیریوسفی هم همین را می‌گفت... او نیز معتقد است تنها کار مثبتی که سازمان سینمایی انجام داده، تشکیل گروه هنر و تجربه است...

همه سینمایی‌های دلسوز همین را می‌گویند... اما من این سؤال را می‌پرسم که سازمان سینمایی به چه دردی می‌خورد؟ آقای ابوبی باید توضیح دهد چرا این سازمان را نگه داشته است... از سویی دیگر، الان تهیه‌کنندگانی هستند که از بعد از انقلاب فعالیت خود را شروع کرده‌اند و در او این سی‌وچندسال برادری خود را قایت کرده‌اند و نشان داده‌اند تهیه‌کنندگان خوبی هستند. یک‌سری تهیه‌کنندگان هم از قبل از انقلاب فعالیت داشته‌اند. آنها هم تهیه‌کنندگان خوبی بوده‌اند و تا حالا کارشان را بسیار خوب انجام داده‌اند. آیا شان این تهیه‌کنندگان با تهیه‌کنندگانی که یکی، دوسال است تهیه‌کننده شده‌اند یکی است؟ باید خطاب به رئیس‌جمهور بگویم آقای رئیس‌جمهور در وزارت ارشاد شما از تهیه‌کنندگان قدیمی گرفته تا تهیه‌کنندگان جدید، همه با یک چوب رانده می‌شوند. درصورتی‌که آقای ابوبی و جنتی فقط دو سال است که به سینما آمده‌اند؛ اما همه این تهیه‌کنندگان قدیمی در طول عمر نظام جمهوری اسلامی با سینما در ارتباط بوده‌اند. آیا این تهیه‌کنندگان قدیمی همان‌قدر باید نظارت شوند که یک تهیه‌کننده‌ای که تازه وارد این کار شده است؟! آن هم بعضاً با رابطه! پس سرمایه تجربه یک‌سری بود؛ آیا سرمایه مادی و معنوی را باید از ج بگذارند یا نه؟ الان تهیه‌کننده‌ای که سال‌ها فعالیت کرده با تهیه‌کننده‌ای که فقط یک سال است وارد این عرصه شده است، هیچ فرقی ندارد. چرا؟ هر دو باید همان مراحل ممیزی را بگذرانند! این ندیدن شان آدم‌ها در سینما و احترام‌نگذاشتن به سال‌ها تجربه و کار آدم‌ها، از کجا آب می‌خورد؟

آقای ابوبی هر وقت سخنرانی می‌کنند شعر از مولانا می‌خوانند. خب شعرخواندن از مولانا چه فایده‌ای برای سینمای ایران دارد؟ اگر مولاناست پس باید درجه شناخت او از آدمی و خدا در سینمای ما پرتو بیفتند؛ من از ایشان می‌پرسم! پرتو مولانا در سینمای ما کجاست؛ به شکل عینی نشان دهید!

✎ ادامه در صفحه ۱۴

بزرگداشت «شهریار عدل»

برخوان ضیافتِ دو عالم

شرق: مجله «بخارا» سه‌شنبه‌شب (۱۰ شهریور) به یاد پروفسور «شهریار عدل»، شب یادبودی برای او اختصاص داد. سیدمحمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، به‌عنوان نخستین سخنران، به آخرین دیدارش با شهریار عدل اشاره کرد و گفت: «آخرین ملاقات من با او قبل از سفر به پاریس بود. مطلبی در مورد جدیدترین یافته‌اش به من گفتم.

همه ما می‌دانیم که برای تاریخ‌گذاری آثاری که از یک منطقه به دست می‌آید، شیوه‌های متعددی وجود دارد. اما تاریخ‌گذاری برخی یافته‌ها تقریباً غیرممکن است. ما می‌توانیم آجر را تاریخ‌گذاری کنیم، اما در مورد خشت این موضوع امکان‌پذیر نیست، اما شهریار راه‌حلی برای این مشکل پیدا کرده بود».

او به نقل از شهریار عدل در روزی که در این‌زمینه صحبت کرده بودند، اظهار کرد: «در خشت آگاهانه‌ها یا از روی اتفاق باقیمانده‌های گیاهانی جا خوش کرده‌اند. گرچه مقدارشان کم است، اما به دلیل اینکه از مواد آلی هستند می‌توانیم با استفاده از آنها تاریخ «خشت» را تعیین کنیم».

بهشتی با بیان اینکه در آخرین دیدارش به دلیل ذوقی که برای مطرح‌کردن این بحث داشت، متوجه حال بد او نشده بود، افزود: من بعدها از برادر وی و منشی‌ام شنیدم که شهریار حال خوشی ندارد. اما من متوجه حال بد او نشدم. حتی در این حال نیز به فکر پژوهش بود. یکی از شاگردانش می‌گفت که این‌اواخر وقتی در فرانسه به دیدارش رفتم تا درباره سندی درباره رنگ با او صحبت کنم، بعد از اینکه او را ترک کردم، در تماس‌های پی‌درپی تلفنی، مرا وادار کرد که سندن این‌موضوع را پیدا کنم و نزد او ببرم!

در ادامه، بهشتی با اشاره به اینکه شهریار عدل «جامع‌الاطراف» بود، اظهار کرد: براساس تجارب کاری در میراث فرهنگی، با بسیاری ر باستان‌شناسان برخورد کردم که تنها در این علم مطالعه داشتند و گاهی به شوخی به آنها می‌گفتم که شما بر این عقیده هستید که جز علم باستان‌شناسی، علم دیگری نیست! اما شهریار عدل این‌گونه نبود. او مطالعه جامعی از علوم داشت. وی از جمله افرادی بود که در لحظه‌ا از کار و مطالعاتش لذت می‌برد. گاهی در شرایط بسیار خطرناک به مناطق مختلف سفر می‌کرد.

او ادامه داد: شهریار عدل همیشه یافته‌ای، حرفی و تحفه‌ای تازه در جیب داشت. گاهی که گوش شنوایی می‌دید، قبل از اینکه یافته‌هایش را در چارچوب مقاله یا کتابی منتشر کند، شروع به سخن‌گفتن و تعریف می‌کرد.

به یاد دارم در جست‌وجوهایی که پس از زلزله در یم داشت، روزی نزد من آمد و گفت که در این جست‌وجوها به صدف‌هایی برخورد کرده که پس از مشورت با اله اف فن به این نتیجه رسیده که صدف آب شیرین است.

این یک چشم‌انداز جدید در آن منطقه بود؛ در منطقه‌ای که توقع چنین اتفاقی نداشتیم. بسیاری از محققان ما یافته‌هایشان را تا زمان انتشار به صورت مقاله و کتاب نگه می‌دارند و در اختیار هیچ‌کس قرار نمی‌دهند، حتی بسیاری از فیلم‌های American Film Institute توسط ویتوریو استوارو، مدیرکل نامی فیلم محمد رسول‌الله(ص)، برای گروهی ۱۳۵ نفره از دست‌اندرکاران و فیلم‌برداران نامی در لس‌آنجلس، برگزار و با استقبال بی‌سابقه از این فیلم روبه‌رو شد. به گفته استوارو، جمعیت به حدی بود که تعداد زیادی موفق به دیدن فیلم نشدند. از جمله افراد صاحب‌نام که در نمایش اختصاصی حضور داشتند فرانسویس فورد کاپولا، کارگردان سه‌گانه پدرخوانده، بود که از فیلم بسیار تمجید کرد. تماشاگران مراتب علاقه‌مندی و احساس خود را به این فیلم ابراز کردند. بسیاری معتقد بودند که این فیلم ظرفیت بزرگی را برای برقراری صلح میان ادیان مختلف دارد. همچنین شاهنامه سه‌شنبه در جشنواره موتترال دو سنانس فوق‌العاده برای فیلم محمد رسول‌الله(ص) برگزار شد و باز هم جمعیت زیادی موفق به تماشای این فیلم نشدند و از رئیس جشنواره درخواست اکران فوق‌العاده کردند.

پیشخوان

«معماری وساختمان»

وپرونده‌ای برای استادیوم‌ها

افسانه شفیی: شماره چهل‌وسوم مجله معماری و ساختمان به موضوع طراحی، ساخت و کارکردهای استادیوم‌های ورزشی اختصاص دارد. احمد زهادی در سرمقاله این نشریه می‌گوید: «استادیوم از نمای بیرونی تا جزء-جزء عناصر درونی می‌بایست تجسمی از پویایی و هیجان را به بیننده منتقل نماید. درواقع این فضا پل ارتباطی بین انتقال انرژی میان بازیکنان و ورزشکاران یا در مواردی اجراکنندگان مراسم با تماشاچیان است. هجوم جمعیت و پرشدن ظرفیت استادیوم منجر به تحت‌الشعاع‌قرارگرفتن عناصر فیزیکی معماری شده و در این لحظه است که هنر معماری در رعایت نکات معنوی معماری جلوه‌گر می‌شود. نوع طراحی حجم و فرم می‌تواند به‌گونه‌ای حس همبستگی را بین افراد به اوج برساند یا از آن بکاهد. ساخت و توسعه این فضاها خصوصاً در کلان‌شهرها اجتناب‌ناپذیر است و به همین دلیل لزوم مطالعه و تحقیق در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد».

در این شماره از مجله معماری و ساختمان، تعدادی از مهم‌ترین استادیوم‌های ساخته‌شده بررسی و معرفی می‌شوند. بررسی کارکردها، گونه‌های سازه و الگوهای شکلی ورزشگاه یکی از مقالات این مجله است که به موضوع استادیوم‌های ورزشی می‌پردازد و تاریچه، انواع استادیوم‌ها، بررسی پیشینه، بررسی شکل و سازه و راهبردها و راهکارهای کلی طراحی سازه و الگوی شکلی آنها را توصیف می‌کند. بررسی نحوه راهکارهای طراحی استادیوم را رویکرد الگوریانه یکی دیگر از مقالات این مجله است که به فرم و شکل استادیوم‌ها می‌پردازد. در مقالات دیگر مجله، استادیوم‌های سراسر دنیا از نظر شکل و فرم معماری معرفی و نقد شده‌اند. نگاهی به طراحی ورزشگاه‌ها در طول بازی‌های المپیک از سال ۱۸۹۶ تا ۲۰۱۲ یکی از این مقالات است. ورزشگاه آستان آرنا در قزاقستان، استادیوم کراسنودار، ورزشگاه ملی جدید ژاپن، توکیو، همچنین مجموعه ورزشی فرآباد تهران، استادیوم یادگار امام در تبریز، شهر ورزشی و استادیوم جام‌جهانی و المپیک بغداد، مجموعه ورزشی الزوراء بغداد، استادیوم ورزشی آزادی، استادیوم المپیک برلین، استادیوم کیبتاون آفریقا، مجموعه ورزشی ونیورساید چین و استادیوم ورزشی ورشو در مجموعه مقالات این مجله معرفی و نقد می‌شوند.

مطالب این شماره از مجله معماری و ساختمان عبارت‌اند از: فراخوان جایزه معماری آسیا و کنفرانس بین‌المللی در استانبول،

فراخوان هشتمین جایزه معماری داخلی ایران و معرفی داوران

این جایزه. عناوین بخش مقالات و تحقیقات که پیرامون موضوع استادیوم‌های ورزشی است، عبارت‌اند از: بررسی کارکردها،گونه‌های سازه و الگوی شکلی ورزشگاه از یاسین درودیان، بررسی نحوی راهکارهای طراحی استادیوم با رویکرد الگوریانه از هلنا بهنام، نگاهی به استادیوم‌های المپیک ۱۸۹۶-۲۰۱۲ از امیر جوانبخت، ورزشگاه آستان آرنا قزاقستان و ورزشگاه ملی جدید ژاپن، توکیو با ترجمه یاس‌گل خداندوله، بخش دیگر معرفی پروژه‌ها که تعدادی از ورزشگاه‌های ایران و دیگر کشورها به خواننده معرفی می‌شود. در بخش نقد، یادداشتی از رضا صیادیان به نام «نقد یا نقل» آورده شده است که نگاهی به رویکردهای مثبت و منفی نقد کرده و کسانی را که با نگاهی منفی در پی بی‌نگ‌کردن جهان و تلاش افراد پیشرو و متفکران جامعه برآم‌ند را جزء نقلاان و نه منتقدان دسته‌بندی کرده است. این پدیده را که حاصل آشوب فرهنگی می‌داند، «قدال» نام گذاشته و هدف آنها را سیاه‌نمایی ناموفق جلوه‌دادن تمام جریان‌های فعال می‌داند که باعث ناامیدی و یأس در جامعه می‌شود. وی اضافه می‌کند بهترین شیوه برخورد با چنین منتقدانی، نادیده‌گرفتن نه‌است. از دیگر بخش‌های این شماره، گزارش پادمان و اهدای جوایز نهمین دوره جایزه معماری میرمیرسان با موضوع معماری بایونیک، استادیوم‌های جام‌جهانی برزیل و دیدگاه‌های دانشجویان در حوزه طراحی و معماری کشور است.

همچنین پنجمین مراسم تقدیر از معمار معاصر ایران هم‌زمان با مراسم ششمین جایزه معماری داخلی ایران در مهرماه برگزار می‌شود که در این نوبت از مهدی علیزاده‌سقطی تقدیر خواهد شد و یادداشت کتاب‌های از ایشان درباره خود و اندیشه‌هایش در این شماره می‌خوانید.

شماره چهل‌وسوم مجله معماری و ساختمان، ویژه تابستان با قیمت ۱۲هزار تومان به بازار کتاب و نشریه عرضه شده است.

روزنه آبی

تمجید «کاپولا» از فیلم محمدرسول‌الله(ص)

شرق: پس از اکران فیلم محمد رسول‌الله (ص) در افتتاحیه جشنواره موتترال و اکران عمومی در سینمای‌های کشور و استقبال بی‌نظیر توسط تماشاگران ایرانی و دیگر کشورها، این‌بار نوبت به تماشاگران آمریکایی رسید تا برای تماشای فیلم محمد رسول‌الله(ص) جلو سالن سینما صف بکشند. نمایش خصوصی فیلم محمد رسول‌الله(ص) در بنیاد فیلم آمریکا American Film Institute توسط ویتوریو استوارو، مدیرکل نامی فیلم محمد رسول‌الله(ص)، برای گروهی ۱۳۵ نفره از دست‌اندرکاران و فیلم‌برداران نامی در لس‌آنجلس، برگزار و با استقبال بی‌سابقه از این فیلم روبه‌رو شد. به گفته استوارو، جمعیت به حدی بود که تعداد زیادی موفق به دیدن فیلم نشدند. از جمله افراد صاحب‌نام که در نمایش اختصاصی حضور داشتند فرانسویس فورد کاپولا، کارگردان سه‌گانه پدرخوانده، بود که از فیلم بسیار تمجید کرد. تماشاگران مراتب علاقه‌مندی و احساس خود را به این فیلم ابراز کردند. بسیاری معتقد بودند که این فیلم ظرفیت بزرگی را برای برقراری صلح میان ادیان مختلف دارد. همچنین شاهنامه سه‌شنبه در جشنواره موتترال دو سنانس فوق‌العاده برای فیلم محمد رسول‌الله(ص) برگزار شد و باز هم جمعیت زیادی موفق به تماشای این فیلم نشدند و از رئیس